

رهبران جنبش سبز در سه راهی اعدام، آزادی یا حفظ حصر

منتشر شده در هافینگتون پست ۵ ژانویه ۲۰۱۷

آیا هیچ امیدی به تحول در ایران وجود دارد یا جمهوری اسلامی همه روزه های سیاسی را چنان بسته است که نباید در انتظار تحولی بود؟ شاید نگاهی به وضعیت رهبران جنبش سبز ملاک خوبی برای داوری باشد.

آزادی رهبران "جنبش سبز" به عنوان یک مطالبه اجتماعی به بخش های بالایی رژیم جمهوری اسلامی منتقل شده و مدتهاست که این صدا از رئیس قوه مجریه و پارلمان شنیده می شود. مهندس میر حسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد از پایان بهمن ۱۳۸۹ تاکنون در منازلشان زندانی هستند. آزادی آنها یکی از وعده های انتخاباتی ریاست جمهوری حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ بود.

تصمیم گیرنده اصلی درباره زندانی کردن رهبران جنبش سبز و تداوم آن، آیت الله خامنه ای بود. او بارها به طور علنی فتنه جنبش سبز را به عنوان "حط قرمز" نظام مطرح کرده است. به عنوان مثال در ۱۳۹۳/۰۶/۰۵ در دیدار با حسن روحانی و اعضای هیأت دولت به آنها گفت: "مسأله فتنه و فتنه گران، از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا باید همان گونه که در جلسه رأی اعتماد خود بر فاصله گذاری با آن تأکید کردند، همچنان بر آن پایبند باشند".

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج در ۱۴ آذر ۱۳۹۵ گفت: "نظر مقام معظم رهبری بر حصر است... اگر سران فتنه توبه کنند و برائت بجویند مورد رأفت قرار می گیرند و بدون برائت و اظهار ندامت و توبه، عفو این ها خردمندانه نیست".

علی مطهری نایب رئیس مجلس که شجاعانه همیشه رفع حصر را دنبال کرده، می گوید: "چون نظر مقام رهبری بر ادامه حصر است سایر مقامات به این موضوع وارد نمی شوند".

حسن روحانی از آغاز ریاست جمهوری تاکنون به طور مداوم رفع حصر را دنبال کرده است، ولی همیشه با مخالفت آیت الله خامنه ای، گروهی از فرماندهان سپاه و بسیج و فقیهان منصوب رهبری مواجه شده است. علی مطهری هم خبر داده که حسن روحانی چندین بار با آیت الله خامنه ای درباره آزادی رهبران جنبش سبز و رفع ممنوع التصویری محمد خاتمی صحبت کرده، ولی هیچ فایده ای نداشته است.

مجلس دهم نیز گام کوچکی به جلو بود. این مجلس بسیار میانه روتر از مجلس به شدت افراطی قبلی است. بسیاری از نمایندگان مجلس خواهان رفع حصر هستند، اما تعداد اندکی از آنها این مطالبه را به صورت علنی بیان می کنند. بدین ترتیب، فشار بر آیت الله خامنه ای برای آزادی آنها در دل نظام افزوده شده است. همین مسأله موجب شد تا آیت الله علم الهدی نماینده آیت الله خامنه ای در استان خراسان رضوی و امام جمعه مشهد در نماز جمعه ۸ دی ۹۵ بگوید رهبران جنبش سبز برای براندازی نظام به کارگزار دولت آمریکا تبدیل شدند، اما متأسفانه:

"از مقدس‌ترین جای این نظام، مجلس شورای اسلامی، زمزمه مسموم حمایت از فتنه بلند می‌شود... این‌ها دانسته یا ندانسته دارند به آمریکا چراغ سبز می‌دهند و به آمریکا می‌فهمانند اگر فتنه جدید راه بیاندازد ما هم کارگزار شما می‌شویم".

دو قطبی سازی مطلوب آیت الله خامنه ای

سومین گام به سوی میانه روی بیشتر کمتر از پنج ماه دیگر باید برداشته شود. قرار است انتخابات ریاست جمهوری در ۲۹ اردیبهشت ۹۶ برگزار شود. فرماندهان نظامی سپاه، بسیج، نیروی انتظامی و روحانیون منصوب آیت الله خامنه ای شبانه روز در حال حمله بی امان به حسن روحانی هستند و ادعا می‌کنند که او با امضای توافق هسته ای به ایران و جمهوری اسلامی خیانت کرده و اشتباه بزرگی مرتکب شده است. راست افراطی به دنبال شکست حسن روحانی یا تضعیف شدید اوست.

آنها با پیروی از آیت الله خامنه ای در حال دو قطبی کردن جامعه بر مبنای "انقلابی" و "ضد انقلابی" هستند. می‌گویند انقلابیون دارای ویژگی‌های زیر هستند:

آمریکا ستیزند و مخالف مذاکره و توافق با آمریکای فریبکار در مورد مسائل مورد اختلاف اند.

در خاورمیانه از محور مقاومت در برابر اسرائیل دفاع می‌کنند.

در داخل کشور طرفدار "اقتصاد مقاومتی" به سود فقرا و استقلال اقتصادی هستند.

معتقدند نظام سیاسی باید همچنان به سیاست‌های آیت الله خمینی و خامنه ای وفادار و ملتزم باقی بماند.

می‌گویند ضد انقلابیون هم دارای ویژگی‌های زیر هستند:

طرفدار مذاکره، سازش و رابطه با آمریکا هستند و فتنه بزرگ آن‌ها که می‌تواند خطرناکتر از فتنه ۸۸ باشد، این است که در حال بزک کردن چهره دولت آمریکا از دولتی امپریالیستی و جنایتکار به دولتی که حلال مسائل و مشکلات ایران است، هستند.

در خاورمیانه نه تنها هیچ شعاری علیه اسرائیل سر نمی‌دهند، بلکه مخالف جبهه ایستادگی در برابر اسرائیل هستند.

در داخل کشور نیز با اقتصاد نئولیبرالی به سود طبقات ثروتمند عمل کرده و فسادهای عظیم به بار آورده اند.

قصد دارند نظام لیبرال دموکراسی را جایگزین جمهوری اسلامی سازند.

در کنار این‌ها، در هفته‌های اخیر به بهانه سالگرد سرکوب جنبش سبز، و برای مقابله با مطالبه آزادی موسوی و کروبی و زهرا رهنورد، همگی به میدان آمده و فریاد برآوردند که حصر آنها در منازلشان

بزرگترین لطف آیت الله خامنه ای به آن ها بوده است، وگرنه آنها باید محاکمه شوند و حداقل مجازات آنها اعدام به دلیل خیانت به نظام، مشارکت در قتل بسیجیان، انقلاب رنگی، کودتا و براندازی نرم است.

آیت الله خامنه ای، نظامیان و فقیهان بخوبی آگاهند که به هیچ وجه قادر به محاکمه رهبران جنبش سبز نیستند. طرح اتهام های سنگین و اعلام مجازات اعدام برای عدم پیگیری مطالبه آزادی رهبران سالخورده زهرا رهنورد ۷۱ ساله، مهندس موسوی ۷۵ ساله، مهدی کروبی ۷۹ ساله جنبش سبز است. مهدی کروبی بارها خواستار محاکمه علنی خود شده است. اما آنها به جای محاکمه فقط تهدید می کنند.

به همین دلیل آیت الله یوسف طباطبایی نماینده خامنه ای در اصفهان و امام جمعه آن شهر در ۶ دی **گفت:** "به عنوان یک قاضی دیوان عالی کشور می گویم اگر سران فتنه محاکمه شوند حکم آنها بدون شک اعدام است... رهبری و بزرگان و مراجع می توانند یک تخفیفی به برخی اشخاص بدهند و از روی مصالحی اعدام چنین اشخاصی را عقب اندازند و این ترحمی است که شامل سران فتنه شده است".

همزمان، آیت الله مصباح یزدی یکی از ایدئولوگ های اصلی محافظه کاران افراطی نیز **گفته است** که رهبران جنبش سبز باید حداقل چند بار اعدام شوند و بنابر مصالح جامعه، با حکم حکومتی آیت الله خامنه ای اعدام نشده اند.

دو قطبی سازی آزادیخواهان

فضای سیاسی و اجتماعی کشور در آستانه انتخابات ریاست جمهوری به ناچار برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات باز می شود و شعارها و مطالبات زیادی مطرح می گردد. اگر چه محافظه کاران افراطی (راست افراطی) می کوشند تا خود را انقلابی و منتقدان، رقبا و مخالفان را ضد انقلابی به نمایش بگذارند، اما آنها خواهان بسته شدن هرچه بیشتر فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند. بیگانه هراسی آنها، همان بیگانه هراسی راست افراطی جهانی است. آنها با چنگ و دندان از گذشته دفاع کرده و در عین حال خود را انقلابی قلمداد می کنند.

اگر قرار بود افراد و گروه هایی انقلابی خوانده شوند، حق این بود که منتقدان، رقبا و مخالفان انقلابی نامیده شوند. برای این که آنها خواهان تغییر وضع موجود به روش های غیر خشونت آمیز (اصلاح طلبانه) بوده و هستند. آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی از جمله رهبران جنبش سبز یکی از تغییرات مورد درخواست طرف مقابل است.

شکاف اصلی اجتماعی ایران، شکاف دیکتاتوری و دموکراسی خواهی است. در واقع کل نیروهای مدافع نظام دموکراتیک ملتزم به آزادی و حقوق بشر در برابر نیروهای مدافع نظام دیکتاتوری قرار گرفته اند. آزادی خواهان هم با طرح شعارها و مطالبات گوناگون فضا را دو قطبی می سازند. شعارها و مطالبات دموکراسی خواهانه آنها در حد امکانات فعلی است، ولی معطوف به حذف دموکراتیک هرچه بیشتر نظامیان و محافظه کاران افراطی از قلمرو اقتصاد و سیاست است.

مردم ایران که شاهد تجربه دخالت نظامی خارجی در کشورهای منطقه افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن و پیامدهای هولناک ده ها میلیون کشته، زخمی، آواره و نابودی زیرساخت های کشورها و خطر تجزیه آنها بوده و هستند؛ به هیچ وجه نمی خواهند که ایران به سرنوشتی مشابه دچار شود.

جمهوری اسلامی از یک سو به دلیل خصلت اقتدارگرایانه اش که انواع تبعیض های قومی و مذهبی و جنسی را نهادینه کرده، و از دیگر سو، به دلیل نزاع بر سر قدرت منطقه ای با دیگر دولت های خاورمیانه؛ دشمنانی دارد که ایران را فارغ از نظام سیاسی اش "بزرگ" قلمداد می کنند و با دامن زدن به نزاع های قومی و مذهبی و حمایت از آن ها می کوشند تا ایران سرنوشتی مشابه سوریه و عراق بیابد.

وقتی خطر تا این حد عظیم است، عقلانیت و منافع ملی حکم به احتیاط می کنند. به تعبیر دیگر، اگر ایران ۸۰ میلیونی سوریه دیگری شود، یک میلیون کشته، چندین برابر زخمی و حداقل ۳۰ میلیون آواره خواهد داشت و پیامدهای آن برای خاورمیانه و جهان فاجعه بار خواهد بود.

مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی به معنای مخالفت با موجودیت ایران و ایرانیان نیست. برای حفظ ایران و ایرانیان راهی جز گذار غیر خشونت آمیز از جمهوری اسلامی به نظام دموکراتیک ملتزم به آزادی و حقوق بشر وجود ندارد. اکثریت مردم آمریکا مخالف دخالت نظامی کشورشان در دیگر کشورها هستند. دونالد ترامپ هم بارها وعده داده که سیاست "تغییر رژیم" دولت های گذشته آمریکا را تغییر خواهد داد. با افرادی که او برای دولتش انتخاب کرده، دموکراسی خواهان ایرانی نمی توانند به وعده او حداقل در مورد ایران اطمینان خاطر داشته باشند. بسیاری از نزدیکان او و اعضای حزبش در گذشته و حال بارها خواهان حمله نظامی به ایران حتی بمباران اتمی ایران شده اند.

اصلاح طلبان، اعتدالیون و رهبران جنبش سبز خواهان بهبود روابط ایران و دولت های غربی به رهبری دولت آمریکا هستند. نگرانی آنان این است که دولت ترامپ دست به اقداماتی بزند که به سود محافظه کاران افراطی تمام شده و به حذف کامل نیروهای میانه رو از حکومت منتهی شود. مخدوش کردن توافق هسته ای و افزودن هرگونه تحریم جدیدی به سود تندروها و به زیان میانه روها تمام خواهد شد.

ایران و آمریکا منافع مشترک بسیاری دارند. روابط خوب این دو کشور، یکی از شرط های گذار ایران به نظام دموکراتیک است. هر اندازه که فشار خارجی بر جمهوری اسلامی افزوده گردد، رژیم بر اثر تهدید خارجی، فضای داخلی را بیشتر و بیشتر بسته خواهد کرد.

سخنان تهدید آمیز فرماندهان نظامی و روحانیون منصوب خامنه ای مبنی بر اعدام رهبران جنبش سبز و محدودیت های محمد خاتمی، بیش از آن که تهدیدهای عملی باشد، نشان دهنده این بود و هست که رهبران جنبش سبز همچنان دارای پایگاه اجتماعی هستند و آیت الله خامنه ای از آنان می هراسد. رهبران جنبش سبز اینک به "سرمایه های ملی" تبدیل شده اند که می توانند به جنبش غیر خشونت آمیز دموکراسی خواهی ایرانیان کمک های شایانی بنمایند.

اگر در انتخابات ریاست جمهوری اصلاح طلبان و اعتدالیون بتوانند شکست سنگینی بر محافظه کاران افراطی وارد آورند، روحانی می تواند دولت بهتری را جانشین دولت ناکارآمد فعلی سازد. شکست راست

افراطی، شکست خامنه ای است، برای این که آنان نیروهای به اصطلاح انقلابی و آمریکا ستیز خامنه ای هستند.

دموکراسی خواهان چاره ای جز این ندارند که تا می توانند بخش میانه رو حکومت را تقویت کنند تا در اثر اتحاد نیروهای اجتماعی با آنها، گذار مسالمت آمیز ایران به دموکراسی ممکن شود.

ایران با همه کشورهای اسلامی تفاوت دارد. در ایران محمد مجتهد شبستری می گوید قرآن سخنان خداوند نیست و فقه همه مراجع تقلید حوزه علمیه قم همان فقه داعش است و آنان را به مناظره دعوت می کند تا این ادعاها را اثبات کند. مراجع تقلید هم چندین روحانی را برای مناظره با مجتهد شبستری معرفی کرده اند، اما او پاسخ داد که فقط حاضر به مناظره با مراجع تقلید است. نفی وحی به معنایی که در ادیان ابراهیمی وجود دارد و داعشی خواندن همه آخوندها در کدام کشور اسلامی امکان پذیر است.

منبع: [رادیو زمانه](#)، ۱۷ دی ۱۳۹۵